

ریخت شناسی منتقدان سینمای ایران

مهرداد فرید

عمیق و مستدل (در این شکل نقاد تنها اطلاعات جسته و گریخته خود را به رخ سینماگر می‌کشد و از رهنمودهای اساسی به او عاجز است).

۵- عدم توانایی در ردیابی و کشف نشانه‌های سبکی، زیبایی شناختی و فرهنگی در آثار یک فیلمساز ایرانی.^{۱۱} نضوراتی از این دست را همچنان می‌توان به این فهرست اضافه کرد و ریشه‌های این نگاه سنتی بدبینانه را به آن نسبت داد. اما مشخص است که این گفته‌ها فرضیات اثبات نشده‌ای است که نه بر "تحلیل محتوا"، بلکه بر استنباط‌های شخصی از نقدهای موجود در نشریات به دست آمده است. واضح است که برای بررسی این فرضیات روش‌های علمی لازم است.

برای درک این حقیقت که آیا چنین نگاه بدبینانه‌ای ریشه در واقعیت دارد یا آنکه اصلاً مبتنی بر توهم‌های ذهنی است، غیر از روش "تحلیل محتوا"، روش مطالعات میدانی نیز می‌تواند معتبر باشد. این شیوه با تکیه بر کمیت‌های عددی می‌تواند تخمین نسبتاً درستی از واقعیات ارائه کند. مبنای نگارش این نوشته نیز همین شیوه است.^{۱۲} برای این کار تعداد ۵۹ نفر از منتقدان و نویسندگان سینمایی مطبوعات به طور تصادفی انتخاب شدند. این نمونه آماری از جمعیت منتقدان و نویسندگان سینمایی مطبوعات تخصصی و غیر تخصصی در باب سینما است. حتی اگر صنف ۱۳۰ نفره انجمن منتقدان را معرفی کامل جمعیت مورد مطالعه‌مان ندانیم و فرض کنیم که همین تعداد نویسنده و منتقد سینمایی وجود دارد که به هر دلیل عضو آن انجمن نشده‌اند، نمونه آماری این تحقیق چیزی حدود ۲۵ درصد جامعه آماری مورد مطالعه ما خواهد بود. این در حالی است که برای مطالعات میدانی، یک حجم ده درصدی از جامعه آماری کافی است. ضمن آنکه در انتخاب سیاهه نمونه آماری، اصراری بر عضو بودن یا نبودن افراد در آن صنف مدنظر نبوده است. با این وصف، نتایج مطالعه، قابل تعمیم به کل جامعه آماری خواهد بود.

نگاه سنتی رایج نسبت به منتقدان سینمای ایران، یک نگاه بدبینانه است. معلوم نیست ریشه این بدبینی کجاست. و چقدر پشتوانه کارشناسانه دارد؟ آیا این نگاه صرفاً استناد به نوشته‌هایی که تحت عنوان "نقد فیلم" در مطبوعات منتشر می‌شود، استناد می‌کند؟ یا روابط پنهان و آشکار میان اهالی سینما و مشاغل مربوط به سینما - که نقدنویسی یکی از آنهاست - القاکننده این نگاه سنتی است. مطبوعات سال‌های پیش از انقلاب، تنها طی حدوداً سه دهه "نقد هنری" را تجربه کرده‌اند. این سه دهه را می‌توان به دو دوره ناهمسان تقسیم کرد: سال‌های ۲۴ تا ۳۲ و سال‌های ۳۲ تا ۵۷. در دوره اول که مطبوعات به خاطر تعلقات و دغدغه‌های سیاسی، وزین تر بودند، با آنکه بخش نقد هنری را رفته رفته در خود تثبیت می‌کردند، سینمای ایران به دلیل تهی بودن از آثار ارزنده، ماده خامی را برای نقد منتقد فراهم نمی‌کرد. اما در دوره دوم یعنی سال‌های ۳۲ به بعد، که سال‌های افول مطبوعات سیاسی و جای‌گزینی رنگین‌نامه‌ها است، با آنکه سینمای ایران - خصوصاً در دهه ۴۰ - و نیمه اول دهه ۵۰ آثار انگشت شمار قابل بحثی را در خود داشت، این مطبوعات بود که به دلیل سانسور شدید و پناه بردن به ابتذال و سطحی‌نگری، مجالی را برای نقد منتقد فراهم نمی‌ساخت. بنابراین ریشه این نگاه سنتی هرچه هست، مربوط به سال‌های پس از انقلاب است. کسانی که در نقد منتقدان سینمای ایران به نوشته‌های موجود در مطبوعات استناد کرده‌اند، معتقدند ریشه این نگاه بدبینانه در موارد ذیل است:

- ۱- تحقیر سینماگر ایرانی در برابر همتا‌های خارجی‌اش از سوی نقادان وطنی.
- ۲- توهم این نکته که دانش بالاتر نزد نقاد است و فیلمساز می‌بایست فیلمش را با ذوق و سلیقه نقاد همسو کند.
- ۳- معارضه با فیلمساز به هر نحوی که ممکن است، تنها به این خیال که نقاد و سینماگر لزوماً در مقابل یکدیگر قرار دارند.
- ۴- پوشانیدن بی‌دانشی فرهنگی و بینش اجتماعی در پشت اظهارنظرهای "اطلاعاتی" و فاقد تحلیل‌های

ترکیب سنی

ترکیب سنی در نمونه آماری ما نشان می‌دهد که درصد از منتقدان در محدوده سنی زیر ۳۸ سال هستند. در حالی که تنها ۱۹ درصد از آنان بیش از ۳۸ سال سن دارند. این اعداد نشان می‌دهد اغلب کسانی که اینک در عرصه مطبوعات برای سینما می‌نویسند، متعلق به نسل مطبوعاتی‌های پس از انقلاب هستند. یعنی آنان کسانی هستند که به اقتضای سنشان نمی‌توانسته‌اند پیش از انقلاب در این عرصه فعال باشند. با این وصف گفته قبلی این نوشتار که در مقدمه آمد، از زاویه دیگری تأیید می‌شود. یعنی معلوم می‌شود آن نگاه سنتی بدبینانه، بیشتر به عملکرد نویسندگان سینمایی نسل پس از انقلاب برمی‌گردد.

رشته و سطح تحصیلات

پیش‌تر گفته شد که عده‌ای معتقدند ریشه بدبینی نسبت به منتقدان به این برمی‌گردد که آنان دچار این توهم هستند که دانش برتر نزد ایشان است و فیلمسازان از این نظر در مرتبه‌ای فروتر قرار دارند. اطلاعیه انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی نیز که در تیرماه در انتقاد به جشن خانه سینما صادر شد شاید ریشه در همین توهم دارد. در این اطلاعیه به دلیل عدم مشارکت دادن انجمن منتقدان در انتخاب بهترین‌های سینمای ایران، تخصصی بودن این گزینش‌ها مورد تردید قرار گرفته است.^۴ بررسی سطح تحصیلات عالی نمونه آماری تحقیق نشان می‌دهد، در حالیکه ۳۱ درصد از منتقدان تحصیلاتی بالاتر از لیسانس دارند، تنها ۱۲ درصد از کارگردانان سینما از این سطح نش برخوردارند. همان‌طور که جدول شماره (۱) نشانی دهد سطح تحصیلات منتقدان نسبت به کارگردانان وضعیت بهتری دارد. اگر تکیه به این جدول کافی بود، می‌توانستیم با قاطعیت رأی دهیم که منتقدان از کارگردانان سواد بالاتری دارند و کلیه ادعاها در این راستا تنها توهم نیست بلکه واقعیت نیز دارد. اما بسراى تکمیل بررسی‌ها لازم است جدول شماره (۲) نیز که نمایانگر رشته تحصیلی این افراد است، مورد بررسی قرار گیرد چرا که باید دید تحصیلات عالی تا چه حد مربوط به عقول سینماست. براساس یافته‌های این تحقیق در حالی که حدوداً ۶/۴ درصد از منتقدان تحصیلاتی سینمایی دارند حدوداً ۲۳/۳ درصد از کارگردانان در این نوع رشته‌ها تحصیل کرده‌اند. یعنی

چیزی حدود ۴ برابر. در سایر رشته‌های هنری نیز کارگردانان از منتقدان یک گام جلوتر هستند؛ یعنی ۸/۵ درصد از منتقدان در برابر ۱۶/۳ درصد از کارگردانان (چیزی حدود دو برابر). این آمار همچنین نشان می‌دهد ۷۲/۳ درصد از منتقدان در رشته‌هایی نامربوط به سینما تحصیل کرده‌اند. این میزان در مقابل ۵۳/۵ درصدی کارگردانان که در رشته‌های بی‌ربط یا سینما تحصیل کرده‌اند، موضوع را کمی به نفع کارگردانان تغییر می‌دهد.

قبلاً ذکر کردیم که منتقدان متهم هستند که توانایی ردیابی و کشف نشانه‌های سبکی، زیبایی شناختی را ندارند و در نقدهایشان تنها اطلاعات جسته و گریخته خود را به رخ سینماگر می‌کشند. اعداد و آمار مورد بحث درخصوص رشته‌های تحصیلی، تا حدودی این اتهام را تأیید می‌کند. زیرا جدول شماره (۲) برای ما معلوم می‌کند که اکثر منتقدان موجود در نمونه آماری در رشته‌های نامربوط به هنر - خصوصاً سینما - تحصیل کرده‌اند. اما واضح است که برای قضاوت نهایی نمی‌توان تنها به این جدول اکتفا کرد.

جدول شماره (۱)

فرزوانی درصد سطری درصد ستونی	منتقدان	کارگردانان	جمع سطری
زیر لیسانس	۱۸ % ۵۴/۵	۱۵ % ۴۵/۵	۳۳ % ۳۴/۷
برابر با لیسانس	۱۵ % ۵۰	۱۵ % ۵۰	۳۰ % ۳۱/۶
فوق لیسانس و بالا تر	۱۶ % ۷۶/۲	۵ % ۲۳/۸	۲۱ % ۲۲/۱
تحصیلات حوزوی	۳ % ۲۷/۳	۸ % ۷۲/۷	۱۱ % ۱۱/۶
جمع ستونی	۵۲ % ۵۴/۷	۴۳ % ۴۵/۳	۹۵ % ۱۰۰

ندارد زیرا در آنجا معلوم شد حدود ۷۲ درصد از منتقدان در رشته‌های نامربوط به سینما تحصیل کرده‌اند. اما با این وجود می‌توان خیال همه را راحت کرد که شغل اصلی و یا رسمی منتقدان در وادی مشاغل مربوط به سینما (مثل

جدول شماره (۲)

فراوانی درصد ستونی	منتقدان	کارگردانان	جمع سطری
رشته‌های صرفاً سینمایی	۳ % ۲۳/۱	۱۰ % ۷۶/۹ % ۲۳/۲	۱۴ % ۱۴/۴
رشته هنری	۴ % ۳۶/۴ % ۸/۵	۷ % ۴۳/۶ % ۱۶/۳	۱۱ % ۱۲/۲۰
علوم ارتباطات	۶ % ۶۶/۷ % ۱۲/۱	۳ % ۲۳/۲ % ۷	۹ % ۱۰
سایر رشته‌ها	۲۴ % ۵۹/۶ % ۷۲/۳	۲۳ % ۴۰/۴ % ۵۳/۵	۵۷ % ۶۳/۳
جمع ستونی	۴۷ % ۵۲/۲	۴۳ % ۴۷/۸	۹۰ % ۱۰۰

جدول شماره (۳)

فراوانی درصد ستونی	منتقدان	فیلمنامه‌نویسان کارگردانان، تهیه‌کنندگان و...	جمع سطری
مشاغل سینمایی	۴ % ۱۲/۵ % ۷/۵	۲۸ % ۸۷/۵ % ۳۹/۴	۳۲ % ۲۵/۸
مشاغل مربوط به سینما	۳۷ % ۸۲/۲ % ۶۹/۸	۸ % ۱۷/۸ % ۱۱/۳	۴۵ % ۳۶/۳
مشاغل بی‌ربط به سینما	۵ % ۳۱/۳ % ۹/۴	۱۱ % ۶۸/۸ % ۱۵/۵	۱۶ % ۱۳/۹
سایر (شغل رسمی ندارند و یا در حال تحصیل‌اند)	۷ % ۳۳/۲ % ۱۳/۲	۲۴ % ۶۶/۷ % ۳۳/۱	۳۱ % ۲۷/۷
جمع ستونی	۵۳ % ۴۲/۷	۷۱ % ۵۷/۳	۱۲۴ % ۱۰۰

جمع بندی دو جدولی که تاکنون مورد بحث قرار گرفته، این گمان را تقویت می‌کند که نگاه منتقدان به سینما نگاهی از بیرون و از ورای دانشی غیرسینمایی است. اما آیا این نگاه یک نگاه سطحی است یا عمیق؟ و آیا بدون غل و غش است یا نه؟ باید به جدول‌های بعدی مراجعه کرد.

مشاغل

در جدول شماره (۲) دانستیم که اغلب منتقدان در رشته‌هایی غیر سینمایی یا مربوط به سینما تحصیل کرده‌اند. اینک این سوال مطرح است که آیا مشاغل رسمی آنان نیز با سینما بی‌ارتباط است. به هر حال آنچه ظواهر امر نشان می‌دهد، در جامعه امروز ایران افراد اغلب یا مشاغل بی‌ارتباط با رشته تحصیلی خود دارند و یا دو شغله هستند یکی را رسمی خود و دیگری را شغل غیررسمی خود می‌دانند.

آنچه جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، این است که ۷۰ درصد از منتقدان در مشاغل مربوط به سینما اشتغال دارند. این میزان با جدول رشته‌های تحصیلی تناسب

همین نقدنویسی در مطبوعات) است.

جدول شماره (۳) در واقع نمایان کننده درصد مشاغل رسمی افراد است. در حالی که افراد معمولاً یک شغل دوم و یا یک عرصه دوم را برای فعالیت حاشیهای خود دارند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که ۱۳/۶ درصد از منتقدان ضمناً به تدریس در یکی از رشته‌های سینمایی نیز اشتغال دارند. این میزان البته میزانی نیست که به اعتبار علمی آنها بیافزاید. همچنین آمار نشان می‌دهد هیچ‌کدام از آنها تاکنون به عرصه تهیه‌کنندگی قدم نگذاشته‌اند و بنابراین تجربه‌ای از ملاحظات مربوط به شغل

تهیه‌کنندگی را نداشته‌اند. بر همین اساس نمی‌توانند درک نزدیکی از ملاحظات و فرمول‌های اقتصادی موجود در سینما داشته باشند. همچنین ۱۲ درصد از آنها تجربه کارگردانی داشته‌اند و یا هنوز هم دارند. این میزان آن گفته را که منتقدان، فیلمسازان شکست خورده‌اند، و یا جملاتی از این قبیل را تأیید نمی‌کند.

۳۴ درصد از منتقدان در عرصه فیلمنامه‌نویسی نیز دستی دارند. بنابراین یک سوم از آنها از قلم خود صرفاً برای نقدنویسی بهره نمی‌برند و سعی دارند به نوعی در فرآیند فیلمسازی مشارکت کنند. این یک سوم همان دسته از منتقدانی هستند که می‌توانند آرزوی فیلمسازی را در سر داشته باشند.

حدود ۹ درصد از آنها نیز به نوعی در ممیزی فیلم‌ها در بدنه دولت، دخیل هستند که البته رقم ناچیزی است و می‌توان از آن چشم پوشی کرد.

میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی

بررسی‌های دیگر در این تحقیق نشان می‌دهد میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباطی در میان منتقدان تقریباً مشابه کارگردانان است. البته تفاوت قابل اغمضی مشاهده می‌شود و آن این است که در میان کارگردانان میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباطی تصویری در مجموع کمی بیشتر از بهره‌مندی از وسایل ارتباطی مکتوب است. در حالی که در میان منتقدان بهره‌مندی از این دو دسته وسایل ارتباطی مشابه و برابر است. با این وصف براساس جدول شماره (۴) تفاوت میان منتقدان و کارگردانان در این زمینه خیلی ناچیز است. براساس این جدول در میان وسایل ارتباطی تصویری، تلویزیون بیشترین و ویدیو کمترین استفاده را دارد در

حالی که در میان وسایل ارتباطی کتبی، از کتاب بیشترین و از مجلات کمترین بهره‌برداری صورت می‌گیرد.

میزان رفتن به سینما

آنچه جدول شماره (۴) به ما گوشزد می‌کند آن است که سینما در میان سایر وسایل ارتباطی، با کمی اختلاف از کتاب، در مقام سوم اولویت استفاده قرار گرفته است. با توجه به آنکه قاعدتاً سینما می‌بایست یکی از دل‌مشغولی‌های منتقدان باشد، لازم است جایگاه این وسیله ارتباطی در میان منتقدان بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. برای این کار جدول شماره (۵) نکات تازه‌تری را بیان می‌کند:

این جدول نیز معلوم می‌کند میزان رفتن به سینما در میان منتقدان تقریباً مشابه میزانی است که سایرین (یعنی فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان، مدرسان و دانشجویان سینما) به سینما می‌روند. همان‌گونه که مشخص است تفاوت‌ها آنقدر اندک است که قابل اغمض است. این البته برای منتقدان نمی‌تواند امتیازی به حساب آید. زیرا منتقدان در مقام قضاوت درباره فیلم‌ها قرار دارند پس باید بیش از سایرین به سینما بروند تا بتوانند دقیق‌تر فیلم‌ها را نقد و بررسی کنند. با توجه به آنکه ماهانه، دست کم چهار فیلم جدید اکران می‌شود، می‌بایست منتقدان حداقل هفته‌ای یک بار به سینما بروند. اما تنها ۲۰٪ از منتقدان سینمای ایران هفته‌ای یک بار به سینما می‌روند. حتی اگر دو بار در ماه را نیز قابل قبول بدانیم، در این صورت نیز تنها ۴۳/۶ درصد از منتقدان دو بار در ماه و بیشتر به سینما می‌روند. در این صورت سوال مهمی پیش می‌آید؛ آن ۵۶/۴ درصد بقیه چگونه می‌توانند درباره فیلم‌های سینمای ایران قضاوت کنند در حالی که به تماشای آنها نمی‌روند. به این ترتیب درباره پیش از نیمی از منتقدان سوءظن‌ها و فرض‌های ذیل پیش می‌آید:

- ۱- آنها برای شناخت فیلم‌ها از منابعی غیر از تماشای فیلم استفاده می‌کنند.
- ۲- آنها اغلب سینماگران ایرانی و فیلم‌هایشان را فاقد ارزش می‌دانند و کلاً آثار ایرانی را در مقابل آثار خارجی تحقیر شده می‌دانند برای همین به تماشای فیلم‌های ایرانی در سینماها نمی‌روند.

جدول شماره (۴)

وسایل ارتباطی	منتقدان	کارگردانان
رادیو	۳٪	۲٪
تلویزیون	۲۲٪	۲۷٪
سینما	۱۹٪	۱۸٪
ویدیو	۸٪	۷٪
روزنامه	۱۶٪	۱۷٪
مجلات	۱۲٪	۸٪
کتاب	۲۰٪	۲۱٪

۳- شرایط فعلی سینما را کلاً مهیا برای تولید فیلم‌های ارزنده نمی‌دانند. برای همین از همان ابتدا به تماشای اغلب فیلم‌ها نمی‌روند.

فایده فیلم‌های ارزنده است، باید آنها را تماشا کنند. هیچ مرجعی برای چنین قضاوتی معتبر نیست مگر تماشای خود فیلم‌ها، آن هم بر پرده عریض سینما!

بخشی از یافته‌های تحقیق ما به انگیزه‌های رفتن به سینما مربوط می‌شود. براساس جدول شماره (۶) تنها ۸/۶ درصد از منتقدان به خاطر رشته تحصیلی‌شان به سینما می‌روند. از سوی دیگر حدود ۴۵ درصد از منتقدان به قصد نقد و بررسی فیلم‌ها به سینما می‌روند. اگر این رقم را در کنار ۳۰ درصد دیگر منتقدان که نوشته‌اند به خاطر شغلشان به سینما می‌روند، بگذاریم آنگاه نتیجه خواهیم گرفت که اگرچه منتقدان به میزان کمی به سینما می‌روند ولی همان تعداد سینما روهاشان اغلب نه به خاطر علاقمندی به هنر و نه به خاطر سرگرمی و مسائل دیگر بلکه به خاطر مسائل شغلی و حرفه‌ای‌شان به سینما می‌روند. این در حالی است که تنها ۳۰ درصد از

جدول شماره (۵)

فراتر از درصد سطر و درصد ستونی	منتقدان	کارگردانان، فیلم‌نویسان، مجری، تهیه‌کنندگان، مترجمان و دانشجویان سینما	جمع سطر
یک بار در هفته و بیشتر	۱۱٪ درصد سطر ۲۲٪ درصد ستونی ۲۰٪	۱۴٪ ۵۶٪ ۱۸/۹٪	۲۵٪ ۱۹/۴٪
دو بار در ماه	۱۳٪ ۴۳/۳٪ ۲۳/۶٪	۱۷٪ ۵۶/۷٪ ۲۳٪	۳۰٪ ۲۳/۳٪
یک بار در ماه	۱۱٪ ۴۴٪ ۲۰٪	۱۴٪ ۵۶٪ ۱۸/۹٪	۲۵٪ ۱۹/۴٪
یک بار در فصل	۹٪ ۴۵٪ ۱۶/۴٪	۱۱٪ ۵۵٪ ۱۴/۹٪	۲۰٪ ۱۵/۵٪
شش ماه یک بار	۳٪ ۲۷/۳٪ ۵/۵٪	۸٪ ۷۲/۷٪ ۱۴/۹٪	۱۱٪ ۸/۵٪
یک بار در سال یا فقط در جشنواره فجر	۸٪ ۴۴/۴٪ ۱۴/۵٪	۱۰٪ ۵۵/۶٪ ۱۳/۵٪	۱۸٪ ۱۴٪
جمع ستونی	۵۵٪ ۴۲/۶٪	۷۴٪ ۵۷/۴٪	۱۲۹٪ ۱۰۰٪

جدول شماره (۶)

گروهها، انگیزهها	منتقدان	فیلم‌نامه‌نویسان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان، دانشجویان سینما	جمع سطر
نقل اقتصای می‌کند	۱۷٪ ۲۲/۵٪ ۲۹/۳٪	۲۳٪ ۵۷/۵٪ ۲۹/۹٪	۴۰٪ ۲۹/۶٪
با رشته تحصیلی‌ام مرتبط است	۵٪ ۲۷/۸٪ ۸/۶٪	۱۳٪ ۷۲/۲٪ ۱۶/۹٪	۱۸٪ ۱۳/۳٪
به منظور نقد و بررسی آثار سینمایی	۲۶٪ ۷۰/۳٪ ۴۴/۸٪	۱۱٪ ۲۹/۷٪ ۱۴/۳٪	۳۷٪ ۲۷/۴٪
به هنر علاقمندم	۹٪ ۲۸/۱٪ ۱۵/۵٪	۲۳٪ ۷۱/۹٪ ۲۹/۹٪	۳۲٪ ۲۳/۷٪
سایر	۱٪ ۱۲/۵٪ ۱/۷٪	۷٪ ۸۷/۵٪ ۹/۱٪	۸٪ ۵/۹٪
جمع ستونی	۵۸٪ ۴۲٪	۷۷٪ ۵۷٪	۱۲۵٪ ۱۰۰٪

انگیزه رفتن به سینما

دانستیم بسیاری از اهالی سینمای ایران از سینمای ایران و فیلم‌های در حال نمایش آن استقبال چندانی نمی‌کنند. این موضوع در میان منتقدان نیز وجود دارد اما پذیرفتنی نیست. حتی برای آنکه بدانند سینمای ایران

سایرین (فیلمنامه نویسان، کارگردانان و...) با چنین انگیزه‌ای به سینما می‌روند.

منبع الهام نقد فیلم

بررسی نوشته‌های منتقدان در مطبوعات و تشابه به مضامین نقدها و حتی بعضاً تشابه نثرها و لحن‌های نوشته‌ها، به این توهم دامن می‌زند که اغلب منتقدان از روی دست یکدیگر می‌نویسند. زمانی این طنز درباره مجلس شورای اسلامی رایج بود که اغلب نمایندگان در رأی‌دادن‌هاشان به رأی و نظر چند نماینده شاخص توجه دارند به طوری که اگر در رأی‌گیری‌های علنی، آن چند نماینده شاخص به نشانه رأی مثبت بایستند بقیه نمایندگان نیز می‌ایستند و گرنه از سر جایشان تکان نمی‌خورند! اینک این طنز به میان منتقدان تسری پیدا کرده است. چند منتقد شاخص با نوشته‌های شان خیل عظیمی از منتقدان را متأثر می‌سازند. به طوری که اگر در ایام جشنواره فجر در خصوص فیلمی نظرات مثبتی منعکس کنند، در طول سال تعداد زیادی از منتقدان به آنها اقتدا می‌کنند و گرنه، نه!

بخشی از یافته‌های تحقیق ما به منبع الهام منتقدان اشاره دارد. این یافته‌ها که در جدول شماره (۶) آمده به استناد اظهارات خود منتقدان تنظیم شده است. همانگونه که مشخص است حدود یک سوم از منتقدان (۳۳٪) برای درک بیشتر یا شرح و تفسیر فیلم‌ها بیشتر از نقدهای موجود در مطبوعات استفاده می‌کنند و حدود ۱۵ درصد دیگرشان یا از اساتید و کارشناسان رشته سینما کمک می‌گیرند و یا با دوستان علاقمند به سینما درباره فیلم‌ها به بحث می‌پردازند. با جمع این درصدها می‌توان مدعی شد که قریب به نیمی از منتقدان در مظان آن اتهامی قرار می‌گیرند که قبلاً اشاره شد. هرچند این رأی را با قطعیت نمی‌توان صادر کرد اما به هر حال هم خواندن نقدهای موجود در مطبوعات و هم بحث و بررسی با دوستان یا کمک گرفتن از کارشناسان برای درک بهتر فیلم‌ها، می‌تواند منجر به همسان‌سازی نقدهای منتقدان منجر شود. یعنی همان بلبه‌ای که نقدها را سر و ته از یک کرباس می‌کند. تنها یک سوم از منتقدان اظهار کرده‌اند برای درک بهتر فیلم‌ها به تئوری‌ها و مباحث نظری سینما اتکا دارند و ۲۲٪ دیگر به موارد دیگری مثل تماشای دوباره فیلم یا حتی بعضی به همه موارد اشاره کرده‌اند. نکته جالب‌تر اینک که ۴۲٪ از سایرین (فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان...) اظهار

داشته‌اند که برای درک بهتر فیلم‌ها به مطبوعات اتکا دارند، یعنی قریب به نیمی از تولیدکنندگان فیلم‌ها در درک بهتر از فیلم‌های سینمایی به نوشته‌های منتقدانی اتکا دارند که فی‌نفسه متهم به اتکا به چند منتقد شاخص هستند! متأسفانه تعداد کمی از آنان (۱۶٪) در این مسیر به بحث‌های تئوریک و نظری اتکا دارند. از این نظر، منتقدان اولاً یک گام جلوتر ایستاده‌اند و ثانیاً به خاطر اهمیتی که نوشته‌هاشان برای فیلمسازان دارد، در زمینه حرفه‌شان بیش از همه مسئولند.

میزان بهره‌مندی از فیلم‌های مطرح خارجی

پیش‌تر، وقتی درباره میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، بحثی به میان آوردیم (رجوع به جدول شماره ۴) معلوم شد که هم برای منتقدان و هم برای کارگردانان، استفاده از ویدیو در مقام تقریباً آخر قرار دارد. این وضعیت در قیاس با سایر رسانه‌ها توصیف شده بود، اما معلوم نشد که بالاخره میزان دسترسی به فیلم‌های مطرح خارجی چقدر است.

جدول شماره (۷)

جمع سطری	فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان و...	منتقدان	گروه‌ها منبع درک بهتر
۴۶	۲۸	۱۸	مطالعه نقدهای موجود در مطبوعات
% ۳۷/۷	% ۶۰/۹	% ۳۹/۱	
	% ۴۱/۸	% ۳۲/۷	
۲۸	۱۱	۱۷	رجوع به مباحث نظری در سینما
% ۲۳	% ۳۹/۳	% ۶۰/۷	
	% ۱۶/۴	% ۳۰/۹	
۹	۶	۳	بهره‌گیری از اساتید و کارشناسان
% ۷/۴	% ۶۶/۷	% ۳۳/۳	
	% ۹	% ۵/۵	
۱۵	۱۰	۵	بحث با دوستان علاقمند به سینما
% ۱۲/۳	% ۶۶/۷	% ۳۳/۳	
	% ۱۴/۹	% ۹/۱	
۲۴	۱۲	۱۲	سایر موارد
% ۱۹/۷	% ۵۰	% ۵۰	
	% ۱۷/۹	% ۳۱/۸	
۱۲۲	۶۷	۵۵	جمع ستونی

جدول شماره (۸) تا حدودی به ما کمک می‌کند تا این میزان را بدست آوریم. براساس یافته‌های تحقیق، تقریباً هیچ کس اظهار نداشته است که اصلاً به فیلم‌های خارجی مطرح دسترسی ندارد. براساس این جدول منتقدان به مراتب بیشتر از سایرین به فیلم‌های مطرح خارجی دسترسی دارند.

جدول شماره (۸)

میزان دسترسی گروهها	منتقدان	فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان و...	جمع سطری
بعضی اوقات	۲۶ % ۳۲/۵ % ۴۴/۱	۵۴ % ۶۷/۵ % ۶۷/۵	۸۰ % ۵۷/۶
معمولاً	۳۳ % ۵۵/۹ % ۵۵/۹	۲۶ % ۴۴/۱ % ۳۲/۵	۲۹ % ۴۲/۸
جمع ستونی	۵۹ ۴۲/۴	۸۰ % ۵۷/۶	۱۳۹ % ۱۰۰

یافته‌های دیگری در تحقیق ثابت می‌کند که میزان دسترسی به فیلم‌های خارجی و یا حتی داخلی، در برخی زمینه‌ها با نحوه نگرش نسبت به سینما و مفاهیم مربوط به آن ارتباط معنادار دارد. با جمع‌بندی جدول‌های (۴)، (۵) و (۸) می‌توان مدعی شد که منتقدان اگرچه فی‌نفسه از سینمای ایران کمتر استقبال می‌کنند، اما در قیاس با سایرین، هم در خصوص بهره‌مندی از فیلم‌های داخلی و هم خارجی جلوتر هستند. آنچه از جدول شماره (۸) و جدول شماره (۵) مستفاد می‌شود، این است که منتقدان بیش از سینمای ایران، با فیلم‌های سینمای جهان ارتباط دارند (البته از طریق ویدیو). نمی‌توان این ویژگی را یک امتیاز مثبت برای منتقدان و یک امتیاز منفی برای فیلمسازان تلقی کرد. زیرا پر کردن فضای ذهنی با فیلم‌های خارجی ممکن است برای فیلمسازان آفت‌هایی به همراه داشته باشد. آفت‌هایی چون، کپی زدن از دست فیلمسازان خارجی، فاصله گرفتن از خلاقیت‌هایی که رنگ و بوی بومی و ایرانی دارد و... در مورد منتقدان نیز ایسن ویژگی می‌تواند آن سوءظن ابتدای بحث را تقویت کند؛ سوءظنی که می‌گوید منتقدان ایرانی فیلمسازان هموطن خود را در برابر همتهای خارجی‌شان تحقیر می‌کنند. ■

پانویس :

- ۱- م. حقگو - آسیب‌شناسی نقد فیلم در ایران - نقد سینما - شماره ۵
- 2- Content analysis
- ۳- داده‌ها و یافته‌های خام این مقاله براساس یک افکارسنجی است که توسط نگارنده همین مقاله و آقای رضا سالک در اسفند ۱۳۷۵ برای پژوهش‌های سینمایی حوزه هنری انجام شده است.
- ۴- اطلاعیه انجمن منتقدان درباره جشن خانه سینما - روزنامه سلام - شماره ۱۷۶۴